



دختر جوان وقتی همراه دوستش برای تفریح به زمین کشاورزی رفته بود هرگز فکرنمی کرد در کلبه وحشت ۴ شیطان گرفتار شود.



به گزارش «ایران»، رسیدگی به این پرونده از اوایل فروردین ماه امسال با شکایت دختر ۲۰ساله‌ای به نام مهتاب آغاز شد. وی که با سر و وضع آشفتنه به پلیس آگاهی ورامین مراجعه کرده بود از ۴ پسرکه او را از راز داده بودند، شکایت کرد.

ماجراهای تلخ و شیرین / کارشناسی پرونده‌ها / داستان‌های خواندنی جنایی / خاطرات جامانده و ... هر روز در روزنامه ایران

## مرد کینه جو وقتی جواب رد شنید

### انتقام گرفت

# اسیدپاشی به زن پاکدامن

معمومه مرادپور/ مرد شرور وقتی در خواسته شرم‌آورش از یک زن متأهل قاطعانه جواب رد گرفت، دسپسه‌ای اسیدی طراحی کرد.

در این ستاوری اسیدپاشی این فرد با اجیر کردن ۲ صحنه تکان دهنده‌ای را رقم زد و چهره زنی را از او ربود.

#### فریاد‌های سوختم سوختم زنانه

ساعت ۹:۳۰ دقیقه جمعه ۲۹ اردیبهشت ماه فریادهای سوختم سوختم زنانه‌ای همه محله مهرویلا کرج را پر کرد و شاهدان دیدن زن جوانی با جیغ و داد به اطراف می‌دود و کمک می‌خواهد.

#### اسیدپاشی مرد شرور

با گزارش این حادثه وحشتناک، مأموران پلیس وارد عمل شدند و در تحقیقات میدانی دریافتند در این حادثه یک زن جوان ۴۱ساله مورد حمله افراد ناشناسی که صورتشان را با نقاب سیاه پوشانده بودند، قرار گرفته است و خیلی زود زن جوان با کمک اهالی محل با آمبولانس به بیمارستان منتقل شد.

#### بازداشت مرد اسیدپاشی

در حالی که زن جوان در بیمارستان تحت مداوا قرار داشت، عملیات تحقیقات جنایی پلیس از همان دقیق اولیه شروع شد و در تحقیقات اولیه مشخص شد از مدت‌ها قبل این زن یک مزاحم داشته که از او خواسته‌های شرم‌آوری داشته است.

بنابراین، این فرد به نام فریدون به‌عنوان نخستین مظنون پرونده بازداشت شد و این در حالی بود که فریدون سعی داشت خودش را در ماجرای اسیدپاشی بی‌اطلاع معرفی کند اما ساعتی بعد به دنبال بازجویی‌های فنی، فریدون ناچار

لب به اعتراف گشود و راز درون سینه‌اش را فاش کرد.

#### انگیزه مرد اسیدپاش

این متهم در اظهاراتش مدعی شد وقتی درخواستش را به این زن گفتم و با جواب رد رویه‌رو شدم با اجیر کردن دوستانم و خواهرزاده‌ام تصمیم گرفتم از وی انتقام بگیرم.

سپس با خرید یک دبه اسید، از خواهرزاده‌ام خواستم ترک موتور دوستم بنشیند و پس از تقییب زن جوان در یک فرصت مناسب اقدام به اسیدپاشی کند.

#### دستگیری متهم در محل

سرهنگ حکمت شجاعی سرپرست پلیس آگاهی استان البرز در گفت‌وگو و اختصاصی یا خبرنگار «ایران» گفت: متهم بعدی این پرونده نیز انتقام جو یا نه نیز



این زن به او ضربه بزرگی زده و درصدد انتقام است. سرپرست پلیس آگاهی استان البرز گفت: این زن پاکدامن ۴۱ساله که در برابر خواسته‌های شوم و پلید این مرد متأهل پاسخ رد داده، هدف انتقام او قرار گرفته است.

وی درباره وضعیت حال این زن گفت: او هم اکنون در بیمارستان تهران بستری شده و تحت عمل جراحی قرار دارد و خوشبختانه صورت زن جوان کمتر دچار سوختگی شده و بیشتر سایر اعضای بدن او سوخته است.

ساعتی بعد از دستگیری متهم اول با تلاش کارآگاهان جنایی البرز دستگیر شد. این متهم که ۶۲ساله و دوست متهم اصلی پرونده است در اظهاراتش مدعی شد که فریدون او را فریب داده، من فقط راننده موتورسیکلت بودم. او قرار بود به خاطر این ماجرا به من ۳میلیون تومان پول بدهد که آن را هم نداد و بعد بازداشت شدم.

#### گفت‌وگو با طراح اصلی اسیدپاشی

به خاطر وسوسه شیطانی دست به کینه جویی تلخی زده است:

چند سال داری؟ ۴۴سال.

شغل چیست؟ کلیدساز هستم.

چرا بازداشت شدی؟ به خاطر اسیدپاشی.

چرا این کار را کردی؟ حماقت و وسوسه.

از کجا این زن را می‌شناختی؟ از دوستان خانوادگی‌مان بود.

چه شد که تصمیم گرفتی اسیدپاشی؟ این زن مورد علاقه‌ام بود، حماقت کردم.

چطور نقشه‌ات را اجرا کردی؟ با اجیر کردن دوستانم و خواهرزاده‌ام از آنها خواستم وقتی این زن از خانه‌اش خارج می‌شود روی صورتش اسید بپاشم.

الان که این کار را انجام داده‌ای چه احساسی داری؟ پشیمانم و از خودم بیزارم.

دستگیری اسیدپاش ۸ ساعت بعد در عملیات فرا استانی سرهنگ شجاعی درباره دستگیری پسر جوانی که اسید را روی زن پاشیده است نیز گفت: این متهم که به محض اجرای نقشه از استان گریخته و به سندرچ رفته بود در یک عملیات اطلاعاتی و خاف‌گیرانه در این استان دستگیر شد. این پسر جوان که ۲۳سال سن دارد، مدعی شد دانی‌اش او را گمراه کرده و از او خواسته است که روی این زن اسید بپاشد. او می‌گفت،

## دست بزن آقای جراح روز اول ازدواج روشد

#### ناهید پروبی / نوعروس جوان با صورتی کبود در حالی برای جدایی از همسر پزشکیش به دادگاه خانواده مراجعه کرد که تنها ۱۰روز از زندگی مشترکش گذشته بود.

این زن جوان با گذشت ۱۰روز زندگی با صورتی کبود و چشمانی اشکبار راهی دادگاه خانواده شماره ۲ ولنجک شده است. این نوعروس جوان به قاضی شعبه ۲۸۳ دادگاه خانواده گفت: سالهاست که حسابدار صندوق یک بیمارستان دولتی هستم، مدتی پیش یکی از پزشکان عمومی بیمارستان که ۱۵سال اختلاف سنی با من دارد، پیشنهاد ازدواج داد.

از آنجایی‌که به این پزشک از زندگی اول شکست خورده بود و با دو فرزندش زندگی می‌کرد، ابتدا تردید داشتم بنابراین از وی مهلت خواستم تا شناخت کافی از هم پیدا کنیم، اما او عجله داشت و می‌گفت که هرچه زودتر زندگی مشترک را آغاز کنیم.

خلاصه با اصرار وی، والدینم را در جریان قرار دادم و چند روز بعد این پزشک به همراه پدر و مادرش برای خواستگاری به خانه‌ام آمدند و خیلی زود مقدمات جشن عقد فراهم شد و من با ۵۰۰سکه بهارآزادی به عقد آقای دکتر درآمد.

این نوعروس جوان افزود: . هنوز ۱۰روز از زندگی‌مان نگذشته بود که رفتارهای خشونت‌آمیز همسرم نمایان شد. او مرا تحت شکنجه جسمی و روحی قرار می‌داد حالا هم بشدت از این وصلت پشیمان هستم و تقاضای طلاق و دریافت مهریه‌ام را دارم.

شوهرش به قاضی گفت: همسرم دروغ می‌گوید، او به طمع مهریه با هدف باج‌گیری و برنامه‌ریزی مشخص یا من ازدواج کرده است و حالا که وی همسر قانونی من است، تمایلی ندارم در بیمارستان کار پزشکی به همراه پدر و مادرش برای خواستگاری به بیرون از خانه بشدت مخالف هستم.

سپس نوعروس جوان در جواب به همسرش گفت: آقای قاضی روز اولی که همسرم به خواستگاری‌ام آمد، می‌دانستم من شاغلم و در بیمارستانی که خودش طبابت می‌کند، کار می‌کنم. همان ابتدا اگر مخالف کار کردن من بود می‌توانست اعلام کند نه بعد از اینکه زندگی مشترک آغاز شده. او از روی لجبازی می‌خواهد که استعفا بدهم، من شغلم را دوست دارم و به هیچ عنوان حاضر نیستم آن را از دست بدهم.

قاضی پرونده این زوج تحصیلکرده را به آرامش دعوت کرد و گفت زندگی فراز و نشیب‌های زیادی دارد، باید با آن کنار بیایند و سپس آنها را به مرکز مشاوره راهنمایی کرد تا درباره زندگی‌شان درست تصمیم‌گیری کنند.

## زندگی ما پس از مرگ دخترم نابود شد

زن و مردی که باورشان نمی‌شد دخترشان خودکشی کرده باشد از بازپرس جنایی تقاضا کردند که در یافتن علت این اقدام به آنها کمک کند. «باور این‌که او دست به خودکشی زده باشد سخت است!» به گزارش «ایران»، پدر و مادر دختر ۲۲ساله‌ای به نام تینا روز گذشته در شبیه دوم دادسرای جنایی تهران حاضر شده و از بازپرس وهابی درخواست کردند که به آنها کمک کند تا انگیزه دخترشان را از خودکشی بفهمند. تینا اوایل اردیبهشت ماه امسال با مصرف قرص به زندگی خود پایان داد. او در تاریکی شب زمانی که اهل خانواده خواب بودند اقدام به مصرف مقدار زیادی قرص کرده بود و صبح روز بعد وقتی مادرش از خواب بیدار شد تعجب کرد از اینکه دخترش به دانشگاه رفته است. مادر این دختر می‌خواست که او را بیدار کند تا از درس و کلاسش عقب نماند اما وقتی بالای سر دخترش رفت با صورت کبود و بدن سرد دخترش مواجه شد. مادر این دختر در حالی که گریه‌امانش را بریده بود به بازپرس جنایی گفت: «دخترم هیچ مشکلی نداشت. او سال آخر درسش را در رشته حسابداری می‌گذراند. وضع مالی پدرش عالی نیست اما دستمان به دهانمان می‌رسد و نیازی نداشتیم دخترمان برای هزینه‌های درسش کار کند. ما یک دختر بزرگ‌تر هم داریم که چند سال قبل ازدواج کرده است و خانه‌اش در شرق تهران است و ما غرب تهران زندگی می‌کنیم. دوری خانه‌هایمان باعث شده که دختر متأهل زیاد به ما سر نمی‌زند اما تینا دوستان زیادی داشت که با آنها خوشگذرانی می‌کرد. بعد از اینکه دخترم فوت کرد یکی از دوستانش به من گفت که دخترم به او گفته بود مراقب مادرم باش. دوست تینا ابتدا متوجه نشده بود که منظور دخترم چیست اما بعد از این حادثه همین حرفی که دخترمان به دوستش زده بود به ما نشان می‌داد که او از مدتی قبیل فکر پایان دادن به زندگی‌اش را در سر داشته است. ما نمی‌دانیم که علت این اقدام او چیست و این سؤال من و شوهرم را به مرز جنون نزدیک کرده است. فکرمی‌کنیم نکنند کسی دخترمان را اذیت کرده باشد. در قلب کوچک پاره‌تتمان چه گذشته که به ما نگفته و چنین بلایی سر خودش آورد؟ زندگی من و پدرش برای همیشه نابود شد.»

بازپرس جنایی برای آنها توضیح داد با توجه به اینکه خودکشی جرم نیست، بازپرس تنها در زمان وقوع جرم حق قانونی دخالت در پرونده را خواهد داشت. بنابراین پدر و مادر این دختر جوان می‌توانند با مراجعه به یک مشاور خانواده راه‌هایی برای کشف علت این اقدام دخترشان پیدا کنند.

## جنایت در ساختمان نیمه کاره با چکش

جوانی که در ساختمان نیمه کاره نگهبان ساختمان را به قتل رسانده بود به اتهام قتل محاکمه می‌شود.

به گزارش «ایران»، بهمن ماه سال گذشته جسد نگهبان یک ساختمان نیمه کاره در میدان ونک و در همان ساختمان پیدا شد و رسیدگی به موضوع در دستور کار محمدرضا صاحب جمعی، بازپرس کشیک قتل پایتخت قرار گرفت.

در تحقیقات ابتدایی تعدادی از کارگران این ساختمان گفتند که این نگهبان از مدتی قبل با یکی از کارگرها اختلاف و درگیری داشته و گاهی اوقات صدای مشاجره آنها را می‌شنیدند. بعد از این حادثه هم این جوان ناپدید شده است.

همچنین مشاهدات اولیه نشان می‌داد که مقتول با ضربات متعدد جسم سخت به سر و صورتش به طرز فجیعی به قتل رسیده به طوری که مغز او متلاشی شده بود.

در همین حال در حالی که تنها یک ساعت از قتل می‌گذشت جوانی به نام نظیر با پای خود به کلانتری رفت و به قتل نگهبان اعتراف کرد.

متهم در جریان اعترافات خود گفت: «من و نگهبان با هم قوم و خویش هستیم تا اینکه چند سال قبل او از افغانستان برای کار به ایران آمد. من در کابل معلم حساب بودم و همان جا کار می‌کردم اما بالاخره من هم تصمیم گرفتم که به ایران بیایم و کار کنم. در ایران مدرک من ارزش ندارد.

برای همین باید کاری می‌کردم که اتفاقی به این نگهبان برخورد کردم. وقتی فهمید که دنبال کار می‌گردم در کارگاه ساختمانی برابم کار پیدا کرد. اما هر شب من را اذیت می‌کرد. او به اقوام ما گفت بود که من را آزار شیطانی داده و بی‌آبرو کرده است. به او می‌گفتم چرا چنین حرف‌هایی می‌زنی اما او گوشش بدهکار نبود و باز هم همین حرف‌ها را پشت سرم می‌زد. شب حادثه سمت من آمد و گفت من این حرف‌ها را به دروغ نگفتم‌ام.

می‌گفت یک شب در غذای من داروی بیهوشی ریخته و اقدام شیطانی کرده است. وقتی این حرف را زد دیگر نتوانستم جلوی عصیانم را بگیرم. چکش را برداشتم و با آن ضربات زیادی به سر و صورتش زدم و فرار کردم.»

با اعتراف متهم به قتل، پرونده روال قانونی را طی کرد و کیفرخواست پرونده با موضوع قتل صادر شد. به این ترتیب متهم بزودی در دادگاه یک کیفری استان تهران پای‌ا می‌میز محاکمه خواهد رفت و به اتهام قتل از خود دفاع می‌کند.

## معمای پیچیده مرگ مرد کارتن خواب

مردی که با چند شربه مشت خود، ناخواسته مرد کارتن خواب را به قتل رسانده بود با قرار وثیقه آزاد شد. به گزارش «ایران»، اواسط اسفند ماه سال گذشته رسیدگی به مرگ مشکوک یک کارتن خواب در یکی از بیمارستان‌های تهران در دستور کار وحید ناصری، بازپرس شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران قرار گرفت. در بررسی‌های ابتدایی فرضیه مرگ این جوان به دلیل مسمومیت کلید خورد و آزمایشات اولیه پزشکی قانونی نشان می‌داد که این فرد متادون مصرف کرده بود. تحقیقات ادامه پیدا کرد تا اینکه مشخص شد مقتول شب قبل از حادثه نزد یکی از دوستان خود بوده که دوستش به او متادون داده بود. به این ترتیب دوست مقتول بازداشت شد و در شرح ماجرا گفت: «شب قبیل از حادثه دوستم نزد من آمد و گفت که سر درد دارم و حالم بد بود. من به او گفتم که اگر مقتول متادون مصرف کند حالم بهتر می‌شود و او قبول کرد. اما هیچ اجباری در خوردن متادون نکردم و او با میل خودش مصرف کرد.»

متهم پرونده تا زمان اعلام نتیجه نهایی آزمایشات پزشکی قانونی در بازداشت بود تا اینکه برکه اعلام نتیجه این آزمایشات برکشت او حکم برکه آزادی‌اش را پیدا کرد و ورق در این پرونده کاملاً روشن شدن راز مرگ مقتول از سر گرفته شد. تحقیقات نشان می‌داد که او روز قبیل از حادثه با مردی در خیابان شهرستانی درگیر شده بود و آن مرد در مقابل چشم شاهدان چند ضربه با مشت به سر کارتن خواب زده بود. به این ترتیب آن جوان شناسایی و دستگیر شد و در اعتراف به درگیری منجر به مرگ با مرد کارتن خواب گفت: «مقتول ضایعات جمع می‌کرد و کارگر برادرزاده‌ام بود. آن روز سر موضعی با برادرزاده‌ام بحث شده بود و من زمانی وارد معرکه دعواپیمان شدم که داشت فحاشی می‌کرد. چند بار به او گفتم که صدایش را پایین بیاورد اما او باز هم توهین می‌کرد و ناسزا می‌گفت. برای همین با مشت چند ضربه به او زد که از آنجا برود اما قصد به قتل رساندن او را نداشتم.»

در حالی که احتمال می‌رود ضربه‌های وارد شده به مقتول از دلایل عفونت مغز او باشد و شرایط جسمی مقتول نیز در این عفونت مؤثر باشد؛ بازپرس پرونده در حال انجام تحقیقات برای صدور کیفرخواست است. احتمال دارد که اتهام این فرد قتل شبه عمد تشخیص داده شود و به همین علت متهم با قرار وثیقه ۵میلیاردی آزاد شد تا دادگاه در مورد مجازات او تصمیم بگیرد.